

**مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای فرهنگی زندگی آپارتمان‌نشینی در ایران  
(مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران)**

علی قلی جوکار<sup>۱</sup>

مجید کاشانی<sup>۲</sup>

حسین فکرآزاد<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۹۷/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۲

**چکیده**

پژوهش حاضر تحت عنوان مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای فرهنگی زندگی آپارتمان‌نشینی در کلان‌شهر تهران انجام گرفت. در بخش مبانی نظری، علاوه بر سوابق پژوهشی، دیدگاه‌های مهم‌ترین صاحب‌نظران مکاتب مختلف جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی شهری مورد مطالعه قرار گرفت. در تحقیق، از روش پیمایشی، و ابزار پرسشنامه که با استفاده از طیف لیکرت تدوین گردید، استفاده شد. با توجه به فرمول کوکران و جدول مورگان، از تعداد ۴۳۰ پرسشنامه‌ی توزیع شده، ۳۸۶ پاسخنامه‌ی تکمیل شده، جمع‌آوری شد. برای پردازش یافته‌ها از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای مستقلی چون؛ عوامل فضا- مکان و نوع معماری بر «کاهش کارکردهای نهادخانواده‌ی آپارتمان‌نشینی»، اشراف پنجره خانه‌های آپارتمان‌نشینان بر خانه‌های همسایه و مجاور بر «افزایش روابط اجتماعی خارج از عرف»، افزایش سوابق آپارتمان‌نشینی بر تغییر و تحول «سبک و شیوه‌ی زندگی آپارتمان‌نشینی»، عوامل فضا (مترائ) و تنوع قومیتی و فرهنگی بر «کاهش روابط همسایگی»، تأخیر در ازدواج، کاهش تعداد فرزندان، افزایش تحصیلات، مالکیت ملک، افزایش تراکم جمعیتی و خانواده، همگی بر «کاهش روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی»، و مالکیت ملک، تراکم جمعیت و افزایش تعداد بلوک‌های آپارتمانی بر «کاهش روحیه‌ی مشارکت مدنی و مذهبی»، دارای تأثیر مستقیم و معنادار، هستند. تأثیر متغیرهای مستقلی چون افزایش سوابق آپارتمان‌نشینی و نوع معماری نیز بر «رعایت حقوق شهروندی» مستقیم و معنادار بود و اکثر ساکنان بر رعایت حقوق شهروندی تأکید داشتند. ۸۹ درصد ساکنان آپارتمان‌نشینی نیز از «امنیت زندگی آپارتمان‌نشینی احساس رضایت و امنیت خاطر» داشتند.

**واژگان کلیدی:** چالش‌های کارکردی خانواده، روابط اجتماعی خارج از عرف، کنش‌های فرهنگی، پیامدهای امنیتی و اجتماعی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Fahmm@yahoo.com

۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### مقدمه

مجتمع‌های مسکونی آپارتمان‌نشینی به عنوان نمادی از زندگی شهری، امروزه محل زندگی بسیاری از خانوارها و افراد شهرنشین است. این نوع از زندگی دارای شرایط و محدودیت‌های خاص زمینه‌ای-فضایی و کالبدی است. آپارتمان‌نشینی در شکل‌گیری و تغییر و تحول فرهنگی شامل تغییر در هنجارها، ارزش‌ها، امور مادی و معنوی، افکار و احساسات، و رفتارهای ساکنین آپارتمان‌نشین نقش چشم‌گیری دارد. محدودیت فضای کالبدی و زمینه‌ای در زندگی آپارتمان‌نشینی علاوه بر تأثیراتی که بر چگونگی حضور ساکنان در شبکه‌ی روابط خانوادگی و فامیلی، شبکه‌ی روابط رسمی و غیررسمی خویشاوندی و غیرخویشاوندی، و شبکه‌ی روابط اجتماعی و ... دارد، بر افکار عمومی، برگزاری مراسم دینی و فرهنگی، حضور در هیأت‌های مذهبی هفتگی و ماهانه، مراسم، آئین‌ها، آداب و رسوم قومی، ملی، و آیینی ساکنان و ... نیز تأثیر بسیاری می‌گذارد. وسایل ارتباط جمعی نوین هم‌چون تلویزیون، ماهواره‌ها، اینترنت، تلفن‌های همراه، و شبکه‌های مجازی هم‌چون تلگرام، اینستاگرام و ... با پُر کردن اوقات فراغت و تنهایی ساکنان و تعامل آن‌ها با فرهنگ شهری، شکل جدیدی از فرهنگ را تحت عنوان فرهنگ یا اخلاق آپارتمان‌نشینی در ایران و دنیای مدرنیته، به وجود می‌آورد (فلاح، ۱۳۹۲: ۴۴). بر اساس دیدگاه‌های محققان، صاحب‌نظران و تجربیات زیسته‌ی بسیاری از آپارتمان‌نشینان، این نوع از زندگی، کارکردهای زیستی، عاطفی، تربیتی و آموزشی، جامعه‌پذیری فرهنگی و اجتماعی، انتقال ارزش‌های فرهنگی، سنتی و اقتصادی خانواده‌ی آپارتمان‌نشین را تحت تأثیر قرار داده، و باعث افزایش روابط غیررسمی و خارج از عرف معمول در میان افراد غیر هم‌جنس و نامحرم در خانواده‌ها، کاهش روابط همسایگی، و تغییر در سبک و شیوه زندگی آپارتمان‌نشینان، کاهش روحیه‌ی همکاری جمعی و کاهش رعایت حقوق شهروندی شده، و امنیت کودکان و زنان جامعه‌ی آپارتمان‌نشین را در مجتمع‌های مسکونی مُتراکم و پُرجمعیت در حاشیه‌ی کلان‌شهرها را در معرض خطر قرار داده است (محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۹۰). از طرفی محدودیت‌های فضایی-کالبدی واحدهای مسکونی در جامعه‌ی آپارتمان‌نشین، باعث شده به مرور زمان اهمیت کارکرد پنهان‌سازی که خانه‌های سنتی ایرانی داشت، از دست برود. با کم شدن مساحت و زیربنای خانه‌ها و کم شدن تعداد اتاق‌های خواب، تغییر و تحول در معماری داخلی و بیرونی محیط‌های آپارتمانی، و تبدیل اکثر فضای خانه به فضای عمومی (شامل؛ حال، سالن نشیمن و پذیرایی)، و در معرض دید قرار گرفتن خانم و همسر خانه، به تدریج در محیط خانه از قداست ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای دینی و ایرانی چون رعایت روابط محرم و نامحرم، کاسته شده، این نوع روابط به روابطی عادی و هنجاری شده، تبدیل گردد. در زندگی آپارتمان‌نشینی، نزدیک‌تر شدن ساختمان‌ها به یکدیگر و کوتاه شدن فاصله‌های انسانی در حد یک دیوار یا یک سقف، نه تنها فاصله‌ی روحی و روانی، فرهنگی و اجتماعی افراد، و توسعه‌ی ارزش‌های همزیستی فرهنگی، اخلاقی، و هنجارهای اجتماعی، کم شده است بلکه با کوتاه شدن دیوارهای روبروی هم، و اِشْرَافِ خانه‌های آپارتمانی مجاور هم بر منازل و حریم‌های

خصوصی دیگران، امنیت و حریم خانوادگی، اخلاقی، ارزشی، استحکام روابط خانوادگی و فامیلی، معاشرت‌های صحیح اجتماعی و فرهنگی ساکنین و وابستگان را به مخاطره افکنده است (محمدی پور، ۱۳۹۳: ۳-۶). با این حال زندگی آپارتمان‌نشینی به‌عنوان یک پدیده و واقعیت اجتماعی مورد پذیرش جامعه قرار گرفته است و به‌عنوان یکی از نمادها و نشانگرهای زندگی شهری و جامعه‌ی مدرن به‌شمار می‌رود، چرا که پاسخگوی مسکن قشر عظیمی از جمعیت انبوه شهری است، و به‌عنوان یکی از ملزومات دنیای شهرنشینی، جا افتاده و قابل حذف یا جایگزینی نیست. به نظر می‌رسد برای کاهش آثار منفی و تبعات نامناسب فرهنگی آن، و ترمیم و ارتقاء جنبه‌های مثبت این نوع از زندگی اجتماعی و فرهنگی، و پیش‌بینی آثار و پیامدهای منفی احتمالی آن، ضرورت دارد جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران این حوزه و حوزه‌های مرتبط دیگر، به بررسی و مطالعه‌ی جامعه‌شناختی چنین پدیده‌ی شهری مهم، و شناخت آثار و پیامدهای فرهنگی مرتبط با آن، بپردازند، تا بتوان با بهره‌گیری از نتایج و تجارب به‌دست آمده، در جهت توسعه‌ی فرهنگی و همه‌جانبه‌ی جامعه، گام‌های مؤثری را برداشت. بر این اساس مطالعه‌ی جامعه‌شناختی پیامدهای فرهنگی زندگی آپارتمان‌نشینی، به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر مورد توجه قرار گرفت. در زیر دیدگاه‌های مهم‌ترین صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی شهری را، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دورکیم<sup>۱</sup> (۱۸۵۸-۱۹۱۷) معتقد بود هرچه جوامع متراکم‌تر و حجیم‌تر شوند، ماهیت فرهنگ بیش‌تر دستخوش تغییر و تحول می‌گردد چرا که وجدان جمعی ملزم به فائق آمدن بر تنوعات ارزش‌های محلی و استیلا بر فضای بیش‌تر شده، و در نتیجه فرهنگ و ارزش‌های آن، انتزاعی‌تر می‌گردد (باندز، ۱۳۹۴: ۵-۶). به باور دورکیم، اعتقادات دینی، در واقع سرشت جامعه را بیان می‌کنند. چرا که مذهب جنبه‌ای بسیار مهم و اساسی از انسجام اجتماعی داده و گام به گام با هر مرحله از تغییر کارکردی و ساختاری در جامعه، شکل یکپارچگی مذهبی را نیز تغییر می‌دهد. به همین دلیل می‌توان ساده‌ترین صورت‌های دین را در ساده‌ترین نوع جامعه یافت. فرهنگ اعم از معنای عام و دینی آن، به‌عنوان یک نظام نمادین، برای بقای خود پایداری نمی‌کند بلکه تغییر می‌یابد؛ فرهنگ علاوه بر انتقال، پیوسته در حال اصلاح محتوای خود است (استونز، ۱۳۷۹: ۸۰-۷۹).

ماکس وبر<sup>۲</sup> (۱۸۶۴-۱۹۲۰) آموزه‌های جنبش روشنگری در خصوص حقوق افراد را، به آموزه‌های مذهب پروتستان زاهدانه، تشبیه می‌کند و به طرح این دیدگاه می‌پردازد که آموزه‌های روشنگری، هنجارهای موروثی سنتی را از میان بر می‌دارد، گسترش سرمایه‌داری را تسهیل می‌کند و این امکان را برای نظام سرمایه‌داری فراهم می‌آورد که به آسانی اشیاء و انسان‌ها را به کار گیرد. به نظر وبر، شهرهای قرون وسطایی سبب رهایی طبقات ضعیف و متوسط جامعه از بندهای جامعه‌ی فئودالی شدند. شهرهای

1- Emile Durkheim

2- Max Weber

قرون وسطایی شهروندان و نظامی را به وجود آوردند که باعث توسعه عقلانیت اقتصادی گردید. مهم‌تر آن؛ این شهرها، شکل‌های جدیدی از جامعه‌ی مدنی را ایجاد، و بنیانگذاری کردند (استونز، ۱۳۷۹: ۸-۶۴، وباندز، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۳).

فردیناند تونیس (۱۹۳۶-۱۸۵۵) با نظریه‌ی گذار از جامعه‌ی سنتی گمین‌شافت<sup>۱</sup> به جامعه‌ی مدرن گزل‌شافت<sup>۲</sup>، جامعه‌ی سنتی را در مقابل جامعه‌ی شهری، با افسوس (نوستالژی) و احساس، به تصویر می‌کشد چنان‌چه گویی ارزشی بالاتر از تجربه‌ی مدرنیته دارد. زندگی دوستانه، زندگی خصوصی و زندگی افراد خودی در مجاورت هم، همه زندگی محسوب می‌شوند. در گمین‌شافت (اجتماع) فرد، از آغاز تولد تا مرگ با خانواده‌اش زندگی می‌کند و در غم و شادی آن، شریک است. اما کسی که وارد گزل‌شافت (جامعه‌ی شهری) می‌شود، مانند کسی است که به کشور بیگانه‌ای وارد شده است. از نظر وی اصطلاح گمین‌شافت بد، اصلاً بی‌معناست. گمین‌شافت (جامعه سنتی یا روستایی) قدیمی و گزل‌شافت (جامعه‌ی شهری) جدید است. گزل‌شافت ناپایدار، تصنعی، تجمعی مکانیکی و مصنوعی از افراد، بوده و در مقابل، گمین‌شافت ارگانیک‌تری زنده است (باندز، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۰، و محمدی، ۱۳۹۳: ۶-۳).

گئورگ زیمل<sup>۳</sup> (۱۹۱۸-۱۸۵۸) مدعی است که انسان شهری، بی‌عاطفه، پیچیده، سرد و واژده<sup>۴</sup> است. در کلان‌شهرها، جریان محرک‌ها بیشتر از آن هستند که عقل بتواند به موقع واکنش متناسب با آن‌ها را نشان دهد، شهرنشینان تحصیل کرده، فرهنگ‌های جهانی را بیش از دیگران می‌پذیرند. جامعه‌ی شهری، ضمن اینکه امکان آزادی از قیود عاطفی را فراهم می‌کند، اما دال بر تنهایی و فقدان معنا در زندگی شهری هم، هست. جهانی شدن فرهنگ در کلان‌شهرها، جهانی‌سازی فرهنگ عینی را، که تهدیدی برای فردیت افراد است، مستعدتر می‌کند. بروز این جهانی‌سازی در فرهنگ عینی کلان‌شهرها، به صورت تقلیل هر چیز به ارزش پولی آن، است. در چنین حالتی، ارزش پولی هر چیز، کیفیت زندگی را به کمیت تقلیل می‌دهد، و از فردیت افراد می‌کاهد و آن را در یک واحد پولی مشترک<sup>۵</sup> تقلیل می‌دهد. زیمل شخصیت «غریبه» را متعلق به جامعه‌ی مدرن می‌پندارد. «غریبه» در همسازي با یک شخصیت کلان شهری، کسی است که به لحاظ فیزیکی به دیگران نزدیک اما به لحاظ فرهنگی و اجتماعی از آن‌ها دور است (استونز، ۱۳۷۹: ۲۹-۱۱۲؛ محمدی‌پور، ۱۳۹۳: ۶).

رابرت پارک از صاحب‌نظران مکتب شیکاگو و بنیان‌گذار جامعه‌شناسی شهری در امریکا، معتقد بود که ساختار فضایی محیط شهرها در حال تکامل بوده و انسان با الگوهای زندگی شهری، خود را سازگار می‌کند. به نظر او، بوم‌شناسی و شهرگرایی درهم تنیده شده‌اند. پارک معتقد است فضای شهری به یک

1- Gemeinschaft

2- Gessellschaft

3- Georg Simmel

4- Blace

5- Common Denomination

سری از نواحی طبیعی تقسیم شده، و تغییرات ساختاری و فیزیکی فضای شهری، بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. به نظر او بخش اعظم تغییرات فرهنگی جامعه با تغییرات فضای کالبدی شهرها ارتباط تنگاتنگی دارد (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۴۵). به اعتقاد پارک تمام اجزاء شهر با هم پیوند دارند و شهر علاوه بر سازمان فیزیکی، دارای سازمان اخلاقی هم هست (همان: ۱۴۶).

لوئیس ورث<sup>۱</sup> (۱۸۹۷-۱۹۵۲) در تعریف جامعه‌شناختی از زندگی شهری، به ماورای ساختار فیزیکی شهر توجه دارد. او به تأثیر شهرنشینی بر تخصص، نوع‌آوری، تنوع و گمنامی ساکنان شهرنشین می‌پردازد. ورث با الهام از دیدگاه زیمل، مدعی است زندگی شهری، نوع خاصی از سبک زندگی را به وجود می‌آورد که خود را با شاخصه‌هایی چون نوع لباس پوشیدن، نحوه‌ی سخن گفتن، نحوه‌ی تفکر و اندیشیدن، نوع فعالیت و کار، انتخاب محل و مکان زندگی و نوع روابط اجتماعی، نشان می‌دهد (همان: ۱۶۳). به نظر ورث، کلان‌شهر؛ سکونت‌گاهی بزرگ، پُرتراکم و دائمی است که از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نامتجانس است. علت این عدم تجانس نیز به سه عامل؛ حجم، تراکم و ناهمگونی بستگی دارد (همان). وی معتقد است افزایش حجم شهر، افزایش تنوع در ویژگی‌های فرهنگی و شغلی را در پی دارد. افزایش تراکم جمعیت، بر مسائل روانی- اجتماعی، افزایش تحمل غریبه‌ها، و در نتیجه بر افزایش استرس، خشونت، جرائم، خودکشی، رفتارهای ضد فرهنگی و اجتماعی، افزایش اصطکاک و آزدگی خاطر افراد شهر نشین، تأثیرگذار می‌گذارد. افزایش ناهمگونی اجتماعی، افزایش عدم تجانس، پیچیدگی نظام طبقاتی و قشربندی اجتماعی، و افزایش شناوری و تضادهای ارزشی و هنجاری را در بین ساکنان شهر در پی دارد. این وضعیت، ویژگی‌های شخصیتی و نگرشی خاصی را در بین افراد، پدید می‌آورد که به مرور زمان، هویت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را دچار فرسایش می‌کند (همان: ۱۶۸-۱۶۳). به

نظر برگر و کلنر (۱۹۷۴؛ ۸۹-۶۲) گسترش حوزه‌های عمومی و کاهش حوزه خصوصی تا حد زیادی محصول زندگی شهری و وسایل ارتباطات جمعی<sup>۲</sup> است. نه تنها می‌توان شهرنشینی را به صورت فرآیندی فضایی دید، بلکه می‌توان آن را در هیأت پرسش از آگاهی هم، مطرح کرد؛ ایجاد آگاهی شهری و انتشار آن، از نقش‌های مهم تعلیم و تربیت همگانی است. برگر و کلنر معتقدند امروزه آگاهی شهری در همه جا وجود دارد. ما آگاهی شهری را با نوع خاصی از سبک زندگی مرتبط می‌دانیم. محرک‌های چندگانه‌ای که این نوع آگاهی در بر دارد، در عین حال که ذهن را وسعت می‌بخشد، «جهان‌خانگی» را مورد تجاوز و تهاجم قرار داده و تمامیت آن را تضعیف می‌کند. فرآیند متکثر شدن در جهان مدرن، از اولین مراحل اجتماعی شدن در خانواده آغاز شده، جهان‌خانگی ما را از بیرون مورد تهدید قرار می‌دهد. فرآیند تکثیر حوزه عمومی و هجوم آن به جهان‌خانگی تصادفی نیست، بلکه بخشی از تعلیم و تربیت، و

---

1- Louwis Worth

2- Mass Communication

فرآیند اجتماعی شدن مدرن است که ما را قادر می‌کند تا خود را به شیوه‌های مختلف زیستن، همساز کنیم (همان: ۳۶-۳۵).

از دیدگاه آنتونی گیدنز<sup>۱</sup> فضا از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که فضا، ظرف تحقق اعمال و روابط اجتماعی است. دلیل این اهمیت عبارت است از: اینکه در فضا و به ویژه در فضای شهری، «مسئله نظم» مورد تاکید است، که قلب تمام تئوری‌های اجتماعی است. این نظم است که یک نظام اجتماعی را در ماورای زمان و مکان استمرار می‌بخشد. برای گیدنز مفاهیمی چون محل و ناحیه، در تحلیل اهمیت اجتماعی فضا و محیط مصنوعی، مهم هستند. مفهوم محل در دیدگاه گیدنز بسیار متغیر است، و «دامنه‌ای از یک اتاق در یک خانه» تا «گوشه‌ی خیابان»، «طبقه‌ای در یک کارخانه» «شهرک یا شهرها» را شامل می‌شود. گیدنز شهرهای مدرن را «خرده جهانی» از تفاوت‌ها و نابرابری‌های بارزی می‌بیند که مشخصه‌ی بزرگترین شهرهای جهان است. وی این تصور از شهرهای معاصر را «تصویری از هزار تکه‌ی در هم و بر هم» می‌نامد. به اعتقاد گیدنز در شهرهای امروزی و مدرن، روز به روز بر تعداد مهاجران، بینوایان و محرومان اضافه می‌شود، وهمزمان فقر و ثروت در «عصر شهرهای جهانی» رو به تزاید است (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۹۷-۸).

به نظر بودریار، برخلاف طرفداران آموزه‌های مدرنیسم که مبتنی بر ایده‌هایی چون مهندسی اجتماعی، تعمیم، عقلانیت، کلان‌نگری و ساختارگرایی بود، صاحب‌نظران پست مدرنیسم، طرفدار تنوع ایده در شهرسازی هستند. آنها در طراحی شهری، علاوه بر ایده‌های کارکردگرا و اقتصادمحور، به سه نوع طراحی دیگر شامل؛ طراحی‌های «هنرگرا»، «تجربه‌گرا» و «محیط‌گرا» نیز به‌عنوان نوعی مسئله در بستر طراحی شهری، که در دوره‌ی مدرنیسم مورد غفلت واقع شده بودند، توجه نشان می‌دهند (فیروزی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۸). به باور طرفداران پست مدرنیسم شهری، شهر باید به محیطی انسانی‌تر بازگردد، و عناصر سنتی‌تر طرح‌های منازل، نظیر ایوان‌ها و پیاده‌روها، دوباره مورد توجه قرار گیرند و به ساکنان شهرهای معاصر اجازه زندگی انسانی‌تر و اجتماعی‌تر بخشیده شود. سوچا به‌عنوان یکی از این صاحب‌نظران، فضای شهری را در مقابل «بی‌فضایی شهری دوران مدرنیسم» به سه بخش؛ «فضای قابل مشاهده»، «فضای قابل تصور» و «فضای زندگی» تقسیم‌بندی می‌نماید که ارتباط تنگاتنگ و جدایی‌ناپذیری با هم دارند (دیر و فلاستی، ۲۰۰۲: ۳۳۲؛ به نقل از باندز، ۱۳۹۴: ۶۸ و فیروزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹).

در زمینه پیشینه تحقیق، تحقیقات زیادی توسط محققان در داخل و خارج از کشور صورت گرفته، که به ناچار فقط به چند تحقیق مهم اشاره می‌کنیم:

بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس (مطالعه موردی شهر شیراز) عنوان پژوهشی است که در سال ۱۳۹۲ توسط جهانگیری، لهسایی‌زاده و منصوریان با هدف بررسی

پیامدهای آپارتمان‌نشینی در شهر شیراز، انجام گرفته است. متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارتند از: تحصیلات، درآمد خانوار، بُعد خانوار، محل تولد، سطح زیر بنای آپارتمان، تعداد طبقات، تعداد واحدها، تعداد اتاق‌ها، قومیت، سابقه آپارتمان‌نشینی، داشتن یا نداشتن مدیر در مجتمع و نوع مدیریت. متغیرهای وابسته عبارتند از: رضایت‌مندی ساکنان، احساس امنیت، احساس بیگانگی، اعتماد اجتماعی و موفقیت تحصیلی فرزندان. نتایج حاصل از تحقیقات نشان داد که سطح زیربنا، تعداد طبقات مجتمع مسکونی، وجود یا عدم وجود مدیر، و نوع مدیریت مجموعه آپارتمانی، رابطه مثبت و معنادار با رضایت‌مندی از زندگی آپارتمان‌نشینی دارد.

پژوهش تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار توسط فتحی (۱۳۹۱) با هدف مطالعه و بررسی چگونگی روابط اجتماعی در فضای شهری، صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: فضاهای مسکونی محله‌های شهری، محیط‌های اجتماعی که در بستر زمان و مکان و با توسعه شهری، دچار دگرگونی اساسی شده‌اند، نوع شبکه‌ی روابط اجتماعی در بین اقشار مختلف اجتماعی شهرنشین با سطوح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی خاص، سیاسی و مکانی، متفاوت است؛ یعنی نظام شکل گرفته از این عوامل از متفاوتی از «روابط اجتماعی» را ایجاب می‌نماید. فضای شهری مدرن با گذر زمان و دگرگونی مکان بر شبکه‌ی روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد که این تأثیر ناشی از ورود تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بوده، و روابط اجتماعی پایدار، محصول فضای شهری پایدار است.

مطالعه‌ی انسان‌شناختی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر ایلام نام پژوهشی است توسط نیکروش (۱۳۹۱) در شهر ایلام انجام گرفته است. این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری که تلفیقی از نظریه‌های فرهنگ و شخصیت، مکتب انسان‌شناسی روان‌شناختی و نظریات حوزه‌ی انسان‌شناسی شهری در بُعد فضا است، که درصدد بوده است به «بررسی مشکلات فرهنگی، اجتماعی و رفتاری» ساکنین آپارتمان‌نشین شهر ایلام بپردازد. بر این اساس در شهر ایلام، با توجه به کمبود زمین جهت احداث مسکن، به ناچار، ساختمان‌های عمودی یا همان مجتمع‌های آپارتمان‌نشینی به شکل قارچ‌گونه‌ای، افزایش یافته است، چرا که نیاز به مسکن یک نیاز اساسی برای حجم انبوهی از جمعیت محسوب می‌گردد. یافته‌های این پژوهش نشانگر وجود توسعه‌ی نامتوازن و آسیب‌زا در فرآیند آپارتمان‌نشینی و وجود مسائل رفتاری، تعاملی و فرهنگی متعدد در فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر ایلام بوده است.

مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر همدان پژوهش دیگری است که توسط محمدپور، جلیلی و ولی‌زاده (۱۳۹۱)، انجام گردیده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در شهر همدان، با توجه به مهاجرت بی‌رویه از روستاها و شهرهای کوچک به مرکز استان، زندگی آپارتمان‌نشینی رونق گرفته و همزمان بر مسائل و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی آن شهر نیز افزوده شده است. توسعه‌ی

نامتوزان و بدون برنامه و در نتیجه آسیب‌زای فرآیند آپارتمان‌نشینی، مشکلات رفتاری، تعاملی و فرهنگی از مشخصه‌های شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی در همدان محسوب می‌شوند.

محسنی‌تبریزی، یاهک و قهرمانی (۱۳۹۰) به تحقیقی تحت عنوان «مطالعه‌ی میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج» پرداخته‌اند. در این تحقیق، پژوهشگران مذکور از سه دسته نظریات شامل نظریات اکولوژیکی، نظریه‌ی ترکیبی، و نظریه‌ی خرده فرهنگی، به‌عنوان «چارچوب نظری» بهره برده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد که؛ میزان مشکلات برآورد شده‌ی آپارتمان‌نشینی در کرج نسبتاً بالا بوده، و با متغیرهای تعداد واحدهای آپارتمان، قدمت آپارتمان، نوع تملک آپارتمان، میزان تغییر ساکنین، روابط همسایگی، تراکم جمعیت، کیفیت ساخت فیزیکی، کارآمدی قوانین آپارتمان‌نشینی و میزان تردد در آپارتمان، همبستگی معناداری، دارد. در مقابل متغیرهای مساحت واحدها، میزان امکانات، آگاهی به قوانین آپارتمان‌نشینی، سطح تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، قومیت، نوع مسکن قبلی، جنس، سن، مدت آپارتمان‌نشینی با میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی، رابطه‌ی معناداری را نشان نداده است.

پژوهش آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن (مطالعه موردی: شهر زاهدان توسط ابراهیم‌زاده و سرگری (۱۳۸۹)، انجام شده است. این پژوهشگران معتقدند که با افزایش سریع جمعیت شهرها و گسترش شهرنشینی طی دهه‌های اخیر و افزایش تقاضا برای مسکن از یک طرف، و کمبود زمین و بالا بودن قیمت زمین از طرف دیگر، مردم به سوی آپارتمان‌نشینی سوق داده شده‌اند. شهر زاهدان به دلیل مرکزیت استان و مهاجرپذیری، و بالا بودن نرخ رشد طبیعی جمعیت، طی چند دهه‌ی اخیر، شاهد رشد بی‌سابقه جمعیت شهرنشین بوده است، به نحوی که جمعیت شهر از ۱۷۵۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۳۳۵ به حدود ۵۶۷۵۰۰ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است که متوسط نرخ رشد آن، طی ۵۰ سال اخیر، در میان شهرهای کشور، کم‌سابقه بوده است. به اعتقاد این محققین، افزایش سریع جمعیت شهری که حاصل آن «از هم گسیختگی پیوندهای اجتماعی خانواده‌ها» و «تضعیف سنت‌های فرهنگی» در اغلب شهرهای بزرگ شده است. به نظر آن‌ها، پدیده جدید آپارتمان‌نشینی، «مناسبات اجتماعی خاص خود» را دارد. در این تحقیق سبک زندگی، «فاصله اجتماعی»، اولین معضلی است که فرد با آن روبرو می‌شود. افراد در زندگی آپارتمان‌نشینی جدید به جای دارا بودن فرهنگ شهروندی، عملاً شهرنشینی هستند که از زندگی سنتی (روستایی) جدا گشته و در عین حال، با فرهنگ جدید غرب نیز غریبه هستند یا به اصطلاح هنوز شهرگرا نشده‌اند. بنابراین در جریان انتقال از فرهنگی سنتی به فرهنگ جدید و مدرن شهری، دچار تضاد، تناقض و چالش می‌شوند به نحوی که عملاً به حاشیه رانده می‌شوند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که آپارتمان‌نشینان با شرایط سکونت در آپارتمان، سازگاری لازم را نیافته و آپارتمان‌نشینی برخلاف فرهنگ و نگرش‌های آن‌ها بوده است. یکی از نتایج چنین وضعیتی تبدیل محیط‌های آپارتمانی به فضایی تنش‌زا، بوده است. به نظر این محققین، آنچه نیاز به توجه



جدی دارد، آموزش چگونگی برقراری ارتباط و تعامل متوازن میان فرهنگ بومی و فرهنگ آپارتمان‌نشینی، به موازات توسعه فنی در این‌گونه سازه‌هاست (همان). بر اساس نتایج و یافته‌های این پژوهش، موقعیت ویژه‌ی کلان‌شهر زاهدان در سطح ملی و منطقه‌ای، باعث شده است که دولت توجه خاصی نسبت به توسعه‌ی زاهدان داشته باشد. با توجه به این که زاهدان سابقه‌ی طولانی در زمینه‌ی اسکان جمعیت نداشته است، نیروی فعال مورد نیاز بخش دولتی و سایر بخش‌ها، از سایر نواحی جذب، و در شهر ساکن شده‌اند، که نتیجه آن افزایش جمعیت شهر به مرور زمان تا حد ۵۶۷۴۵۰ نفر در سال ۱۳۸۵، بوده است. به موازات افزایش جمعیت شهر، تقاضای مسکن نیز افزایش یافته و در نتیجه، بالا رفتن قیمت مسکن را، در پی داشته است. گرانی زمین، مسکن و مشکلات خدمات‌رسانی ناشی از گسترش کمی شهر در واحد سطح، خود باعث گرایش مردم به سمت انبوه‌سازی مسکن شده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از آپارتمان‌نشینان با شرایط سکونت در زندگی آپارتمان‌نشینی، سازگاری لازم را نیافته و پذیرش این نوع سکونت که برخلاف فرهنگ و نگرش سنتی آن‌ها بوده، و ناآشنایی یا عدم آموزش آن‌ها قبل از سکونت در چنین آپارتمان‌هایی مثل رعایت قوانین و آموزش فرهنگ آپارتمان‌نشینی و ....، فضا و محیط‌های آپارتمان‌نشینی را به فضایی تنش‌زا یا تنش‌آلود، تبدیل نموده است.

هازل ایستوپ، اندرو تاپس و بیل راندولف<sup>۱</sup> در آگوست ۲۰۰۹ در پژوهشی تحت عنوان «آیا زندگی آپارتمان‌نشینی مطلوب است؟» به رابطه‌ی سبک زندگی و آپارتمان‌نشینی در شهرهای ملبورن و سیدنی استرالیا پرداخته‌اند. به باور آن‌ها شهرهای ملبورن و سیدنی با استراتژی تغییر مداوم و مستمر در حال تبدیل شدن به کلان‌شهر یا متروپل شدن بوده و دولت استرالیا برای جلوگیری از توسعه و گسترش حواشی این شهرها سیاست جمع و جور کردن شهر و ساخت سکونتگاه‌های عمودی را در پیش گرفته است. اما برخی از برنامه‌ریزان و توسعه‌گران شهری در این خصوص غفلت ورزیده‌اند و برخی دیگری به آن توجه نموده‌اند. سیاست استرالیا این بوده که برای جلوگیری از فشار پراکندگی و گسترش کلان شهرهای ملبورن و سیدنی، به ساخت مسکن‌های انبوه‌نشین و عمودی روی بیاورد. بر اساس نتایج پژوهش زندگی آپارتمانی در هر دو شهر سیدنی و ملبورن رضایت‌بخش و مطلوب است. انواع واحدهای مسکونی مورد پژوهش را خانه‌های مجردی، خانه‌های زوج‌های بدون فرزند و خانواده‌های همراه با فرزند تشکیل می‌داده‌اند. به نظر می‌رسد زندگی این‌گونه مجتمع‌های مسکونی علی‌رغم تنوع سبک زندگی ساکنان، مطلوب بوده است. نتایج و یافته‌های حاصل از این پژوهش در برنامه‌ریزی و سیاست‌های شهری در استرالیا مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

---

1- Hazel Aystvp, Andrew Thys and Bill Randolph

مالی رُوسنر<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) پژوهشی در باره‌ی تحول تاریخی فرهنگی و اجتماعی رُشد آپارتمان‌نشینی در نیویورک آمریکا انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داده است؛ «نیویورک شهری است که راه‌های ابهام‌آمیزی (از لحاظ توسعه‌ی آپارتمان‌نشینی) دارد و این ابهام بی‌وقفه می‌تواند ادامه یابد اما هنوز امکان تعریفی مشخص برای این موضوع، میسر نیست». روسنر توضیح می‌دهد که مناظر نیویورک در یک افق، زیر ساختمان‌های سوپر مارکت‌های معروفی که تاریخ واحدی دارند، قرار دارد. میان هر ساختمان، آپارتمان‌هایی وجود دارد به نحوی که این آپارتمان‌ها همانند جعبه‌ای بعد از جعبه‌ای دیگر، کنار یکدیگر قرار گرفته اند. هر مستأجری میل دارد در فضای متفاوت از دیگری، مسئولیت‌پذیر باشد. این نوع افکار نشأت گرفته از بحران‌ها، و نشانه‌ی زندگی شهری نیویورک است. آپارتمان‌نشینان در دوره‌های زمانی مختلف رفتارهای مسخره‌ی همراه با سوء ظن است که بیش از یک قرن ادامه داشته است .... به اعتقاد رُوسنر، آپارتمان‌نشینی در نیویورک عمری کوتاه اما فوق‌العاده پیچیده داشته است. آپارتمان‌ها در نیویورک در اندازه‌های مختلفی ساخته شده‌اند. وی زندگی آپارتمان‌نشینی در نیویورک را به سه دوره تاریخی و اجتماعی، دسته‌بندی می‌نماید. دوره اول، شامل سال‌های ۱۸۷۰ تا سال ۱۹۳۰ است که در آن، شهر به جای رشد و توسعه افقی، به صورت عمودی رشد کرده، ساختمان‌های آپارتمانی به صورتی زیبا و عمودی در غرب (نیویورک) ساخته شدند. دوره دوم، به چگونگی زندگی آپارتمان‌نشینی در مجتمع‌های آپارتمانی پس از جنگ جهانی دوم اختصاص داده شده است که در آن آپارتمان‌نشینان بیشتر از طبقه کارگر و خانوارهای متوسط جامعه هستند. این مجتمع‌های آپارتمانی بعدها به عنوان مکانی برای طبقات فقیر جامعه تبدیل گردیدند. دوره سوم، به «چگونگی انتخاب مکان‌های کنونی مجتمع‌های آپارتمان‌نشین» و نقش زندگی آپارتمان‌نشینی‌های جدید در انتقال مفاهیم و معنا و ویژگی‌های (فرهنگ) شهری اشاره دارد. به نظر روسنر؛ «زندگی آپارتمان‌نشینی بسیاری از ترتیبات زندگی خانوادگی، زندگی مجردی، زندگی زوج‌ها، و زندگی گروهی افراد مجرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خانه‌های آپارتمانی بسته به اینکه در زمان‌های مختلف، چگونه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، یا ساکنان آپارتمان‌نشین چه سبکی از زندگی را انتخاب کرده‌اند، را دربر می‌گیرد».

ابوبکر توحید و بیشاوجیت ملک<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «واکنش‌های فرهنگی اجتماعی؛ مطالعه‌ی موردی بر روی زندگی آپارتمان‌نشینی در شهر داکا»، انجام داده اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ساختمان‌های آپارتمان‌نشینی با هویت فرهنگی ساکنین که اکثراً مهاجرین بیهاری پاکستان غربی هستند، سازگاری و هماهنگی ندارد، چرا که این ساکنان فرهنگ و سبک زندگی سنتی خود را در زندگی آپارتمان‌نشینی حفظ کرده اند. رفتارهای فرهنگ سنتی همچون روابط فامیلی، حفظ خانواده گسترده، برگزاری مراسم عید و آیین‌های دینی و فرهنگی، برگزاری جشن روز تولد، و دیگر آیین‌های

1- Mali Rossner

2- Abubakr Towhid and Bishavejit Malike

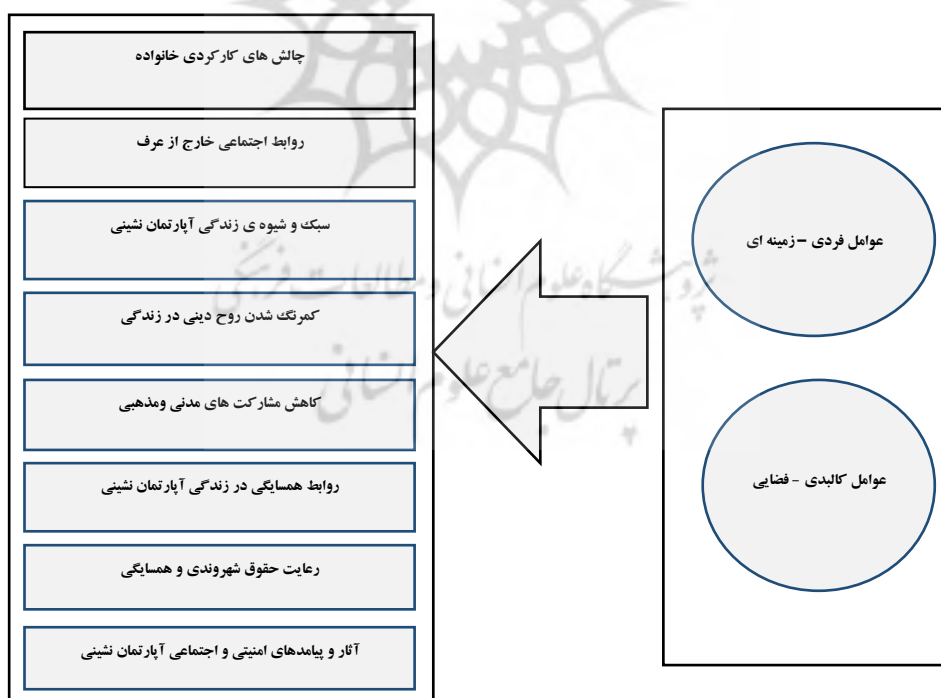
مشابه را همچنان در این گونه مجتمعات حفظ کرده، و برگزار می‌کنند. بسیاری از ساکنان این مجتمع مسکونی با یکدیگر روابط فAMILI و خانوادگی دارند. تعداد متوسط اعضاء خانواده ساکنین بین ۴ تا ۶ نفر است. برخلاف قواعد آپارتمان‌نشینی، آن‌ها شرایط و قواعد زندگی آپارتمان‌نشینی را مراعات نمی‌کنند. کاترین دایزی گومز<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) از اعضاء دپارتمان معماری B.U.E.T<sup>۲</sup>، پژوهشی تحت عنوان «اثر جنسیت بر گروه‌های متوسط آپارتمان‌نشین در شهر داکا» در بنگلادش انجام داده است. دایزی گومز می‌نویسد: «خانه‌ها و فضای معماری یا فیزیکی خانه‌ها با خود اطلاعات فرهنگی ساکنان و صاحبان آن‌ها را با خود حمل می‌کنند (هانسون، ۱۹۹۸؛ اولیور، ۱۹۸۷؛ و لارنس ۱۹۹۳). (به عنوان مثال) جنسیت و روابط اجتماعی به عنوان عاملی فرهنگی با شکل ریخت‌شناسی خانه، رابطه‌ای مثال زدنی دارد، این در حالی است که راپاپورت (۱۹۶۹) بر عوامل فرهنگی به‌عنوان نیروها و عوامل اولیه در تعیین شکل خانه، تأکید کرده بود. راپاپورت کشف کرده است که جنسیت تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر موقعیت زنان و به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده‌ای بر شکل خانه دارد. دایزی گومز ادامه می‌دهد: «موضوع جنسیت در امتداد محیط داخلی اولیه‌ی زنان و همچنین در درون نهادهای شهر داکا اهمیت تعیین‌کننده‌ای در یک دوره زمانی، داشته است. جنسیت از منظر فضای مورد استفاده زنان در خانواده و در سازمان‌های نهادی در درون شهر داکا به‌عنوان پایتخت بنگلادش، نقشی محوری دارد. شهر داکا به‌عنوان پایتخت بنگلادش، جمعیتی عظیم و انبوه داشته، و چند دهه‌ی اخیر به‌طور دائم در حال دگرگونی و تحول بوده است». گرایش به رشد سریع شهرنشینی و محدودیت فضای زمین شهری در داکا، همراه با توسعه‌ی اجتماعی، باعث «تغییر الگوی زندگی شهری» در فضای مسکونی و سازمانی شده است. مفاهیمی هم‌چون حریم خصوصی و تبعیض نژادی به‌عنوان عناصری فرهنگی، اجتماعی و دینی، در فرایند دگرگونی همراه با تغییر الگوی محوری فضای داخلی خانه نسبت به درآمد گروه‌های با درآمد متوسط آپارتمان‌نشین، نقش داشته است. در این پژوهش، تمرکز پژوهشگر بر موقعیت زنان در فضای داخلی خانه و بررسی چگونگی حریم خصوصی و قابلیت کنترل فهم و درک زنان کاربر در خانه‌های آپارتمانی بوده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که: «تضاد مرفولوژیک و فضای سازمانی داخل خانه‌های آپارتمانی (از لحاظ محتوایی) از وضعیت یا فرهنگ سنتی، موجب تحول به وضعیت کنونی یعنی دوران مدرنیته گردیده، اما توجه زنان به حریم خصوصی بدون تغییر مانده است. دایزی گومز در بخش دیگری توضیح می‌دهد: «گرایش به قابلیت کنترل فضای مجازی، ادامه‌ی موقعیتی است که آشکارا در نوع زندگی سنتی با حیات خانه، (همراه) است. اگرچه (با اینکه) علل مشارکت آن‌ها در فعالیت اقتصادی و نقش زنان در خانواده تغییر کرده است، با این حال هنوز زنان ترجیح می‌دهند که حریم خصوصی‌شان را حفظ کنند.

1- Katherine Dizi Gomez

2- Departement Of Architecture( Bangladesh University Of Engineering And Technology)

حضور آن‌ها در فضاهایی که کاملاً قابل رویت است می‌تواند یک نوع کنترلی بر فضاهای مجاور حوزه‌ی کاری شان در محیط داخلی خانه باشد».

مدل نظری یا تحلیلی پژوهش در واقع دنباله‌ی طرح نظری مسأله‌ی تحقیق است که به صورت عملی، نشانه‌ها و خط سیرهایی را که نهایتاً برای اجرای کار، مشاهده می‌گردند، و در تحلیل در نظر گرفته خواهند شد را، به یکدیگر مرتبط می‌کند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۹: ۱۴۴). بنابراین با توجه به هدف، فرضیه‌ها و سوالات تحقیق، مدل تحقیق به صورت زیر ترسیم گردید (نمودار ۱). در مدل تحقیق، متغیر مستقل آپارتمان‌نشینی در درون خود از دو دسته عوامل، شامل: الف) عوامل فردی - زمینه‌ای (شامل: سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، تحصیلات، میزان اطلاع از قوانین و مقررات آپارتمان‌نشینی، نوع اشتغال، و وضعیت قومیتی) و ب) عوامل کالبدی - فضایی (شامل: متراژ واحد آپارتمانی، موقعیت یا مکان واحد آپارتمانی، مشاعات، امکانات واحد آپارتمانی، نور راه‌پله‌های بلوک‌ها، نیم طبقه بودن پاگرد راه پله‌ها و تراکم جمعیتی) تشکیل شده است. متغیرهای وابسته نیز عبارتند از: چالش‌های کارکردی خانواده، شبکه روابط اجتماعی خارج از عرف، سبک زندگی، کم رنگ شدن روح دینی در زندگی، کاهش مشارکت‌های مدنی و مذهبی، روابط همسایگی، رعایت حقوق شهروندی، و پیامدهای امنیتی و اجتماعی (نمودار زیر).



نمودار (۱): مدل نظری تحقیق

- هدف از انجام تحقیق «کشف و شناخت پیامدها و آثار فرهنگی زندگی آپارتمان‌نشینی (با تأکید بر کلان شهر تهران)» است. بر این اساس فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر تبیین و تدوین گردید.
- ۱- میان زندگی آپارتمانی و اختلال در کارکردهای خانواده، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
  - ۲- میان زندگی آپارتمانی و افزایش روابط خارج از عرف، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
  - ۳- میان زندگی آپارتمانی و تغییر در سبک و شیوه‌ی زندگی، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
  - ۴- میان زندگی آپارتمانی و کاهش روح دینی، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
  - ۵- میان زندگی آپارتمانی و کاهش مشارکت مدنی و مذهبی، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
  - ۶- میان زندگی آپارتمانی و کاهش روابط همسایگی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
  - ۷- میان زندگی آپارتمانی و رعایت حقوق شهروندی، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
  - ۸- میان زندگی آپارتمانی و پیامدهای امنیتی و اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

## روش

روش تحقیق در مطالعه حاضر توصیفی-تبیینی از نوع پیمایشی است. با استفاده از تکنیک پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز از جامعه آماری گردآوری شد. جامعه آماری پژوهش عبارت است از کلیه‌ی جمعیت آپارتمان‌نشین مناطق ۲۲ گانه‌ی کلان‌شهر تهران. بر اساس گزارش سالنامه آماری ایران طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۰، کلان‌شهر تهران دارای بیش از ۳۹۰ شهرک مسکونی یا مجتمع آپارتمان‌نشین بوده که در مجموع شامل ۲۸۵۰ بلوک آپارتمانی و حدود ۹۱۳۳۹ واحد مسکونی آپارتمانی بوده است. البته این تعداد بدون در نظر گرفتن خانه‌های سازمانی ارگان‌ها یا نهادهای نظامی، انتظامی و دولتی (هم‌چون نیروهای نظامی و انتظامی) بوده است. بنابراین جامعه آماری عبارت از کلیه آپارتمان‌نشینان کلان‌شهر تهران در نواحی سه‌گانه‌ی شمالی و مناطق مرفه‌نشین، مرکزی و مناطق متوسط‌نشین، و جنوبی و مناطق ضعیف‌نشین این کلان‌شهر است. در این تحقیق از روش پیمایش استفاده گردید و در جمع‌آوری یافته‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند درجه‌ای، بهره‌برده شد. حجم نمونه‌ی آماری بر اساس فرمول کوکران و جدول مورگان، عبارت از ۳۸۲ خانوار آپارتمان‌نشین که برای هر ناحیه و مناطق ذیل آن‌ها، سهمیه لازم در نظر گرفته شد. بر این اساس و برای جبران پاسخ‌های بی‌اعتبار و بدون پاسخ، ۴۳۰ پرسشنامه تدوین و توزیع گردید که از این تعداد ۴۰۴ پرسشنامه، جمع‌آوری گردید. از این تعداد، ۱۸ پرسشنامه نیز به علت عدم اعتبار، از نمونه آماری خارج گردید. پس حجم نمونه‌ی معتبر جمع‌آوری شده، عبارت از ۳۸۶ پرسشنامه است. برای روایی و اعتبار ابزار سنجش (پرسشنامه‌ها) از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ بهره‌گرفته شد (جدول شماره ۱). برای روایی مدل تحقیق و روایی همبستگی گویه‌ها و اعتبار صوری، از نرم افزار SPSS و تحلیل عاملی استفاده گردید. نتایج بدست آمده و مقادیر KMO و سطوح معناداری آزمون بارلت نیز، نشان داد که

روابط متغیر، مؤلفه‌ها و گویه‌ها با مدل تحقیق، از روایی، همبستگی و اعتبار مناسبی برخوردار بوده و متناسب با مبانی نظری است.

جدول (۱): نتایج روایی ابزار سنجش (آلفای کرونباخ)

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
چالش‌های کارکردی خانواده	۱۵	۰/۸۷۳
روابط اجتماعی خارج از عرف	۶	۰/۷۲۴
سبک زندگی آپارتمان نشینی	۲۲	۰/۸۳۶
روح دینی زندگی آپارتمان نشینی	۹	۰/۸۷۷
مشارکت مدنی و مذهبی در زندگی آپارتمان نشینی	۹	۰/۸۸۹
روابط همسایگی در زندگی آپارتمان نشینی	۶	۰/۹۰۳
رعایت حقوق شهروندی در زندگی آپارتمان نشینی	۱۲	۰/۷۹۲
بیامدهای امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمان نشینی	۱۳	۰/۷۶۹

## یافته‌ها

**یافته‌های توصیفی؛** کل نمونه جمعیت مشارکت‌کننده‌ی معتبر در پژوهش ۳۸۶ نفر است. میزان مشارکت مردان و زنان در نمونه آماری، نسبتاً به هم نزدیک است (۵۵/۴ مردان در مقابل ۴۴/۶ درصد زنان). نزدیک به یک سوم از جمعیت پاسخگویان (۳۶/۸ درصد) را افراد مجرد تشکیل می‌دهد. جامعه آپارتمان‌نشین کلان‌شهر تهران، جامعه‌ای به مراتب جوان است (سن بیش از ۷۵ درصد از پاسخگویان کم‌تر از ۴۳ سال است). حدود ۶۷/۱ درصد از پاسخگویان یا فرزند نداشتند یا تک فرزند بودند. ۶۱/۶ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی از لیسانس تا دکتری بودند. سطح تحصیلات بقیه، زیر دیپلم بود. محل زندگی و مسکن ۲۴/۴ درصد از پاسخگویان در مناطق شمالی و مرفه نشین، ۴۶/۶ درصد در مناطق مرکزی و متوسط نشین شهر، و ۲۸/۸ درصد در مناطق جنوبی و حاشیه‌نشین شهر قرار دارد. زیر بنای واحد مسکونی ۵۲/۴ درصد از آپارتمان‌نشینان زیر ۷۸ مترمربع است. ۵۷/۸ درصد پاسخگویان فاقد هرگونه سهم ملک مشاعی چون سالن اجتماعات، استخر، پارکینگ و یا فضای عمومی بوده و یا فقط یکی از این موارد را دارند. معماری آشپزخانه‌ی بیش از ۹۰/۴ درصد از واحدهای مسکونی به صورت اُپن یا باز است. این نشان می‌دهد که معماری سنتی ایرانی در این گونه مجتمع‌های مسکونی بسیار کم‌رنگ است. وضعیت روشنایی و نور ۷۷ درصد از راه پله‌ها مناسب و کافی است. ۸۷ درصد از واحدهای مسکونی کم‌تر از دو اتاق یا فقط یک اتاق دارند. نور و روشنایی ۸۲ درصد از اتاق‌های خواب واحدهای آپارتمانی مناسب است. ۵۵ درصد پاگردها مستقیماً به درب ورودی واحدهای آپارتمانی روبرو، اِشرف دارد. بر پنجره‌ی ۵۰ درصد از واحدهای آپارتمانی، خانه‌های مجاور یا روبرو، اِشرف داشتند. ۶۰ درصد از واحدهای آپارتمانی فاقد امکاناتی چون پکیج گرمایشی و سرمایشی، عایق صداگیر، و آسانسور هستند یا فقط یک مورد از این امکانات را دارند. ۸۴/۷ درصد آپارتمان‌نشینان زیر ۱۱ سال در مجتمع مسکونی خود، سکونت دارند. کلاً ۸۴ درصد از آپارتمان‌نشینان زیر ۱۰ سال سابقه آپارتمان‌نشینی دارند.

یافته‌های استنباطی؛ در ادامه به بررسی داده‌های استنباطی و نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم.  
فرضیه اول؛ میان زندگی آپارتمانی و اختلال در کارکردهای خانواده، رابطه معنادار وجود دارد.

جدول (۲): رابطه میان زندگی آپارتمانی و اختلال در کارکردهای خانواده

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیرهای مستقل	کای اسکور $\chi^2$	مقدار فی	سطح معناداری
چالش‌های کارکردی خانواده ی آپارتمان‌نشینی	خیلی کم	۲/۳	موقعیت واحد آپارتمانی	۴۵/۸۸	۰/۳۴۵	۰/۰۰۰
	کم	۲۸/۱	نوع معماری (نیم طبقه بودن) پاگرد راه پله‌ها	۱۰/۵۲۷	۰/۱۶۹	۰/۰۲۲
	متوسط	۵۶/۱	مالکیت واحد	۵۰/۶۷	۰/۳۶۹	۰/۰۰۵
	زیاد	۱۲/۷	میزان درآمد	۳۱/۱۲۸	۱۰/۲۹۲	۰/۰۱۳
	خیلی زیاد	۰/۸	وضعیت (تنوع) قومی	۶۶/۶۲۲	۰/۴۱۱	۰/۰۰۰
	جمع	۳۸۵				

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأثیرات متغیرهای مستقلی چون موقعیت واحد آپارتمانی از لحاظ طبقات اجتماعی و اقتصادی (با  $\text{sign} = /$  /  $\chi^2 =$  / )، مالکیت واحد آپارتمانی (با  $\text{sign} = /$  /  $\chi^2 =$  / )، میزان درآمد ساکنان (با  $\text{sign} = /$  /  $\chi^2 =$  / )، وضعیت قومی (با  $\text{sign} = /$  /  $\chi^2 =$  / )، و نوع معماری پاگرد راه پله‌ها (با  $\text{sign} = /$  /  $\chi^2 =$  / ) بر متغیر وابسته‌ی چالش‌های کارکردی خانواده، مثبت و معنادار است (جدول شماره ۲). بنابراین فرضیه‌ی یک یعنی «تأثیر زندگی آپارتمان‌نشینی بر افزایش چالش‌های کارکردی خانواده آپارتمان‌نشینی»، مثبت و معنادار بود و مورد تأیید قرار گرفت.

فرضیه دوم؛ میان زندگی آپارتمانی و افزایش روابط خارج از عرف، رابطه معنادار وجود دارد.

جدول (۳): رابطه میان زندگی آپارتمانی و افزایش روابط خارج از عرف

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکور $\chi^2$	مقدار فی	سطح معناداری
رابطه اجتماعی خارج از عرف در زندگی آپارتمانی	خیلی کم	۶	اشراف پنجره مجاور واحد آپارتمانی	۲۳/۱۷۱	۰/۲۴۷	۰/۰۰۳
	کم	۳۱/۶	کل سابقه آپارتمان‌نشینی	۳۰/۸۱	۰/۲۸۳	۰/۰۱۴
	متوسط	۴۴/۶	وضعیت مالکیت آپارتمان	۴۶/۹۸	۰/۲۸۳	۰/۰۱۴
	زیاد	۱۳/۲				
	خیلی زیاد	۴/۷				
جمع	۳۸۶					

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقلی چون اشراف پنجره‌ی واحدها بر واحدهای آپارتمانی (با  $\text{sign} = /$  /  $\chi^2 =$  / ) و وضعیت مالکیت واحد آپارتمان‌نشینی (با  $\text{sign} = /$  /  $\chi^2 =$  / ) و میزان سابقه‌ی آپارتمان‌نشینی افراد (با  $\text{sign} = /$  /  $\chi^2 =$  / ) بر گسترش و افزایش

روابط اجتماعی خارج از عرف در زندگی آپارتمان‌نشینی، معنادار بوده و در حد متوسط، باعث افزایش آن می‌گردد (جدول شماره ۳). بنابراین فرضیه ۲؛ یعنی «تأثیر زندگی آپارتمان‌نشینی بر افزایش روابط خارج از عرف (روابط غیررسمی) مردان و زنان جوان»، مثبت و معنادار بود و فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. **فرضیه سوم؛ میان زندگی آپارتمانی و تغییر در سبک و شیوه‌ی زندگی، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.**

**جدول (۴): رابطه میان زندگی آپارتمانی و تغییر در سبک و شیوه‌ی زندگی**

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکور $\chi^2$	مقدار فی	سطح معناداری
سبک و شیوه‌ی زندگی	خیلی کم	۱/۹	سابقه سکونت در واحد آپارتمانی	۳۹/۰۱۹	۰/۳۳۱	۰/۰۰۱
	کم	۱۶/۴	کل سابقه آپارتمان‌نشینی	۵۰/۲۹۱	۰/۳۷۵	۰/۰۰۰
	متوسط	۵۱				
	زیاد	۳۰/۴				
	خیلی زیاد	۰/۳				
	جمع	۳۵۹				

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل سابقه‌ی سکونت در واحدهای آپارتمانی (با  $\chi^2 = /$  و  $\text{sign} = /$ ) و کل سوابق آپارتمان‌نشینی آپارتمان‌نشینان (با  $\chi^2 = /$  و  $\text{sign} = /$ ) بر «سبک و شیوه‌ی زندگی آپارتمان‌نشینی» معنادار است. یعنی با افزایش سابقه‌ی زندگی آپارتمان‌نشینی، سبک و شیوه‌ی زندگی ساکنان را تا حد زیادی دچار تغییر و تحول می‌کند (جدول شماره ۴) و لذا فرضیه سوم؛ یعنی تأثیر «زندگی آپارتمان‌نشینی بر تغییر سبک و شیوه زندگی ساکنان آپارتمان‌نشین»، مثبت و معنادار بود و مورد تأیید قرار گرفت.

**فرضیه چهارم؛ میان زندگی آپارتمانی و کاهش روح دینی رابطه معنادار وجود دارد.**

**جدول (۵): رابطه میان زندگی آپارتمانی و کاهش روح دینی**

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکور $\chi^2$	مقدار فی	سطح معنادار
روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی	خیلی کم	۴/۹	وضعیت تأهل	۹/۴۱۵	۰/۱۷۰	۰/۰۲۴
	کم	۲۰/۷	تعداد فرزندان	۳۳/۱۱۲	۰/۳۲۰	۰/۰۱۶
	متوسط	۳۳/۳	میزان تحصیلات	۳۶/۲۲۷	۰/۲۸۸	۰/۰۰۸
	زیاد	۴۱	موقعیت واحد آپارتمانی	۳۳/۲۹۵	۰/۱۹۱	۰/۰۰۶
	خیلی زیاد	-	مشاعات واحد آپارتمانی	۲۰/۸۷۲	۰/۲۵۴	۰/۰۰۵
	جمع	۳۲۴	کل سابقه آپارتمان‌نشینی	۲۱/۷۰۲	۰/۲۵۹	۰/۰۴۱
			تراکم جمعیتی بلوک آپارتمانی	۲۴/۱۰۰	۰/۲۸۷	۰/۰۲
			تعداد خانواده در بلوک	۲۵/۵۷۵	۰/۲۹۰	۰/۰۱۲
			تعداد بلوک‌های آپارتمان	۳۲/۸۷۴	۰/۳۴۲	۰/۰۰۱
			مالکیت واحد آپارتمانی	۴۴/۹۷۴	۰/۳۷۴	۰/۰۰۲
		نوع اشتغال	۱۷/۰۵۹	۰/۲۳۰	۰/۰۴۸	

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل شامل: وضعیت تأهل (با  $\chi^2 = /$  و  $\text{sign} = /$ )، تعداد فرزندان (با  $\chi^2 = /$  و  $\text{sign} = /$ )، میزان تحصیلات (با  $\chi^2 = /$  و  $\text{sign} = /$ )،



sign= / و  $x^2= /$ ، موقعیت واحد آپارتمانی با ( sign= /  $x^2= /$  ) داشتن یا نداشتن مشاعات واحد آپارتمانی (با sign= / و  $x^2= /$ )، کل سابقه‌ی آپارتمان‌نشینی (با sign= / و  $x^2= /$ )، تراکم خانواده‌ها در بلوک (با sign= / و  $x^2= /$ )، تراکم جمعیتی (با sign= / و  $x^2= /$ )، تعداد بلوک‌های مجتمع‌های آپارتمانی (با sign= / و  $x^2= /$ )، مالکیت واحد آپارتمانی (با sign= / و  $x^2= /$ )، و نوع اشتغال آپارتمان‌نشینان (با sign= / و  $x^2= /$ ) در کاهش «روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی» تأثیر گذار است و این روابط در سطح زیادی معنادار بوده است و شدت این روابط نیز، مناسب ارزیابی می‌شود (جدول شماره ۵). بر این اساس فرضیه چهارم؛ یعنی «تأثیر زندگی آپارتمان‌نشینی بر کاهش روح دینی ساکنان آپارتمان‌نشین»، مثبت و معنادار بود، و مورد تأیید قرار گرفت.

### فرضیه پنجم؛ میان زندگی آپارتمانی و مشارکت مدنی و مذهبی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول (۶): رابطه میان زندگی آپارتمانی و مشارکت مدنی و مذهبی

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکور $x^2$	مقدار فی	سطح معناداری
مشارکت مدنی و مذهبی در زندگی آپارتمان‌نشینی	خیلی کم	۳۱/۷	تعداد فرزندان	۳۸/۱۸۵	-۰/۳۱۸	-۰/۰۳۳
	کم	۳۲/۳	موقعیت واحد آپارتمانی	۲۷/۷۳۳	-۰/۲۷۱	-۰/۰۰۶
	متوسط	۲۷/۵	(مترائ) محدودیت فضا	۳۶/۷۱۶	-۰/۳۶۶	-۰/۰۴۵
	زیاد	۸/۲	کل سابقه آپارتمان‌نشینی	۲۹/۱۴۶	-۰/۲۷۸	-۰/۰۲۳
	خیلی زیاد	۰/۳	تعداد بلوک‌ها	۳۴/۹۴۲	-۰/۳۲۹	-۰/۰۰۴
	جمع	۳۷۸	نوع اشتغال	۲۵/۴۰۱	-۰/۲۶۰	-۰/۰۱۳

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل: تعداد فرزندان (با sign= / و  $x^2= /$ )، موقعیت واحد آپارتمانی (با sign= / و  $x^2= /$ )، مترائ یا محدودیت مکان- فضا (با sign= / و  $x^2= /$ )، کل سابقه‌ی آپارتمان‌نشینی (با sign= / و  $x^2= /$ )، تراکم (تعداد) بلوک‌های آپارتمانی (با sign= / و  $x^2= /$ )، و نوع اشتغال آپارتمان‌نشینان (با sign= / و  $x^2= /$ )، بر کاهش مشارکت مدنی و مذهبی آپارتمان‌نشینان مثبت و معنادار است. این بدان مفهوم است که با افزایش تعداد فرزندان، موقعیت بهتر واحد آپارتمانی از لحاظ طبقات اجتماعی و اقتصادی، محدودیت فضا- مکان (مترائ) واحد آپارتمانی، افزایش سابقه آپارتمان‌نشینی، تراکم جمعیت (تعداد بلوک‌ها) و در نهایت نوع اشتغال، همگی بر کاهش مشارکت مدنی و مذهبی، تأثیر مثبت دارند و رابطه میان متغیرهای مستقل و کاهش مشارکت‌های مدنی و مذهبی آپارتمان‌نشینان، مثبت و معنادار است، و با توجه به ضرائب فی از شدت مناسبی نیز برخوردار هستند (جدول شماره ۶). بنابراین فرضیه پنجم؛ یعنی «تأثیر زندگی آپارتمان‌نشینی بر کاهش مشارکت‌های مدنی و مذهبی ساکنان»، مثبت و معنادار بود و مورد تأیید است.

### فرضیه ششم؛ میان زندگی آپارتمانی و کاهش روابط همسایگی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول (۷): رابطه میان زندگی آپارتمانی و کاهش روابط همسایگی

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکور $\chi^2$	مقدار فی	سطح معنادار
روابط همسایگی در زندگی آپارتمان نشینی	خیلی کم	۳۹/۱	متراژ ( محدودیت فضا - مکان )	۲۸/۵۵۱	۰/۲۷۹	۰/۰۲۷
	کم	۲۴/۷	نور راه پله ها	۱۸/۱۰۶	۰/۲۲۹	۰/۰۲
	متوسط	۲۷/۷	وضعیت ( تنوع ) قومی	۵۳/۳۶۸	۰/۳۸۲	۰/۰۰۰
	زیاد	۱۴/۱				
	خیلی زیاد	۴/۳				
	جمع	۳۸۶				

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه‌ی متغیرهای مستقل شامل: محدودیت مکان- فضا (متراژ) واحدهای آپارتمانی (با  $\text{sign} = ۰/۰۲۷$  و  $\chi^2 = ۲۸/۵۵۱$ )، نور و روشنایی راه پله‌های آپارتمانی (با  $\text{sign} = ۰/۰۲$  و  $\chi^2 = ۱۸/۱۰۶$ )، و وضعیت قومی (با تنوع فرهنگی) (با  $\text{sign} = ۰/۰۰۰$  و  $\chi^2 = ۵۳/۳۶۸$ )، و متغیر وابسته‌ی کاهش روابط همسایگی در زندگی آپارتمان نشینی « مثبت و معنادار است، و از شدت همبستگی و روابط مناسبی نیز برخوردار می‌باشد (جدول شماره ۷). لذا فرضیه ششم: یعنی «تأثیر زندگی آپارتمان نشینی بر کاهش روابط همسایگی آپارتمان نشینان»، مثبت و معنادار بود و مورد تأیید است.

### فرضیه هفتم؛ میان زندگی آپارتمانی و رعایت حقوق شهروندی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول (۸): رابطه میان زندگی آپارتمانی و رعایت حقوق شهروندی

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکور $\chi^2$	مقدار فی	سطح معنادار
رعایت حقوق شهروندی در زندگی آپارتمان نشینی	خیلی کم	۰/۳	وضعیت تأهل	۱۱/۱۳۵	۰/۱۷۰	۰/۰۲۵
	کم	۴/۱	معماری اوپن آشپزخانه	۱۸/۹۱۳	۰/۲۲۲	۰/۰۰۱
	متوسط	۵۴/۷	امکانات واحد آپارتمانی	۲۶/۵۰۹	۰/۲۲۳	۰/۰۴۷
	زیاد	۴۰/۷	کل سابقه آپارتمان نشینی	۳۱/۳۰۲	۰/۲۸۶	۰/۰۱۲
	خیلی زیاد	۰/۳				
	جمع	۳۸۶				

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل شامل: وضعیت تأهل ساکنان واحدهای آپارتمانی (با  $\text{sign} = ۰/۰۲$  و  $\chi^2 = ۱۱/۱۳۵$ )، نوع معماری و اوپن بودن آشپزخانه (با  $\text{sign} = /$  و  $\chi^2 = /$ )، امکانات واحدهای آپارتمانی (با  $\text{sign} = ۰/۰۴۷$  و  $\chi^2 = ۲۶/۵۰۹$ )، و کل سابقه‌ی آپارتمان نشینی (با  $\text{sign} = ۰/۰۱۲$  و  $\chi^2 = ۳۱/۳۰۲$ )، بر «رعایت حقوق شهروندی در زندگی آپارتمان نشینی شهر تهران، مستقیم بوده و در حد زیادی معنادار، و دارای شدت همبستگی مناسبی است (جدول شماره ۸). بنابراین فرضیه

هفتم یعنی؛ «تأثیر زندگی آپارتمان‌نشینی بر میزان رعایت حقوق شهروندی»، مثبت و معنادار بوده و این فرض مورد تأیید قرار گرفت.

**فرضیه هشتم؛ میان زندگی آپارتمانی و پیامدهای امنیتی و اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.**

**جدول (۹): رابطه میان زندگی آپارتمانی و پیامدهای امنیتی و اجتماعی**

متغیر وابسته	پاسخ‌ها	درصد معتبر	متغیر مستقل	کای اسکویر $\chi^2$	مقدار فی	سطح معنادار
جدول پیامدهای امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمانی نشینی در شهر تهران	خیلی کم	۳/۹	سن پاسخگویان	۳۷/۴۶۳	۰/۳۱۲	۰/۰۰۲
	کم	۴۶/۸	تعداد فرزندان	۴۸/۸۵۴	۰/۳۵۶	۰/۰۰۲
	متوسط	۳۹/۲	مالکیت واحد آپارتمانی	۵۸/۴۸۹	۰/۳۹۱	۰/۰۰۱
	زیاد	۸/۸	وضعیت قومی (تنوع فرهنگی)	۵۵/۶۴۲	۰/۳۸۲	۰/۰۰۰
	خیلی زیاد	۱/۳				
	جمع	۳۸۵				

نتایج به‌دست آمده از تحقیق نشان داد که تأثیر متغیرهای مستقل؛ سن ساکنان آپارتمان‌نشین (با  $\text{sign}=۰/۰۰۲$  و  $\chi^2=۳۷/۴۶۳$ )، تعداد فرزندان ( $\text{sign}=۰/۰۰۲$  و  $\chi^2=۴۸/۸۵۴$ )، مالکیت واحد آپارتمانی (با  $\text{sign}=۰/۰۰۱$  و  $\chi^2=۵۸/۴۸۹$ ) و وضعیت قومی (تنوع فرهنگی) (با  $\text{sign}=۰/۰۰۰$  و  $\chi^2=۵۵/۶۴۲$ ) بر متغیر وابسته‌ی «پیامدهای امنیتی و اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی» در شهر تهران، مستقیم و معنادار است؛ اما تأثیرات سن و تعداد فرزندان در حد خیلی کم و کم، و تأثیرات مالکیت در حد متوسط، است، و تنها تأثیر تنوع قومی و فرهنگی، باعث افزایش مشکلات و پیامدهای امنیتی و اجتماعی در زندگی آپارتمان‌نشینی می‌گردد. لذا تنها با افزایش تعارض قومی و فرهنگی، آسیب‌های امنیتی و اجتماعی و فرهنگی در زندگی آپارتمان‌نشینی در کلان‌شهر تهران، افزایش یافته است. بقیه‌ی آپارتمان‌نشینان از امنیت جانی، مالی و اقتصادی، اجتماعی خود، فرزندان و همسر خویش در زندگی آپارتمان‌نشینی در حد زیادی احساس رضایت داشتند (جدول شماره ۹). بنابراین «تأثیر زندگی آپارتمان‌نشینی بر افزایش پیامدهای امنیتی و اجتماعی در زندگی آپارتمان‌نشینی» مورد تردید قرار گرفت، و فرض  $H_0$  تأیید و فرض  $H_1$  ردّ گردید. بدین معنا که «زندگی آپارتمان‌نشینی تأثیر کمی در کاهش امنیت جانی، مالی و اجتماعی دارد (در حد ۸/۸ درصد). به عبارتی زندگی آپارتمان‌نشینی نه تنها باعث کاهش امنیت جانی و مالی نگردیده بلکه باعث افزایش امنیت جانی و مالی مردم نیز شده است و قریب به اتفاق آپارتمان‌نشینان از لحاظ امنیتی، احساس رضایت دارند». لذا فرضیه هشتم مورد تأیید قرار نگرفت.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه‌ی تحقیق نشان داد که تأثیر متغیرهای مستقل موقعیت واحد آپارتمانی، مالکیت واحد آپارتمانی، میزان درآمد آپارتمان‌نشینان، تنوع قومی یا فرهنگی و در نهایت نوع معماری آپارتمان‌ها بر کاهش کارکردهای خانواده‌ی آپارتمان‌نشین هم‌چون: کاهش روابط فامیلی، کاهش روابط عاطفی، کاهش فرزندآوری، کاهش جامعه‌پذیری کودکان نسبت به خانواده‌ی سستی، دوری کودکان از پدر بزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها، عمه‌ها و خاله‌ها، دایی و عموها، و بسیاری از کارکردهای خانواده، مؤثر بوده و فرضیه تأثیر زندگی آپارتمان‌نشینی بر کاهش کارکردهای خانواده، مورد تأیید قرار گرفت. دورکیم معتقد است اعتقادات دینی، در واقع سرشت جامعه را بیان می‌کنند. چرا که مذهب جنبه‌ای بسیار مهم و اساسی در انسجام اجتماعی داشته و گام به گام با هر مرحله از تغییر کارکردی و ساختاری در جامعه، شکل یکپارچگی مذهبی نیز تغییر می‌کند. به همین دلیل می‌توان ساده‌ترین صورت‌های دین را در ساده‌ترین نوع جامعه یافت. فرهنگ اعم از معنای عام و دینی آن، به عنوان یک نظام نمادین، برای بقای خود پایداری نمی‌کند بلکه تغییر می‌یابد. فرهنگ علاوه بر انتقال، پیوسته در حال اصلاح محتوای خود است (استونز، ۱۳۷۹: ۷۹-۸۰).

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد معماری و طراحی فضای کالبدی مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی در دوره‌ی معاصر، کارکرد پنهان‌سازی حریم خصوصی خانه‌های آپارتمانی از بین می‌برد و با جمع‌شدن همه‌ی افراد حاضر در خانه، اعم از مهمانان و اهالی خانه، دور هم و در یک فضا، عملاً حریم‌های محرم و نامحرم برداشته شده، حُجُب و حیاء میان افراد محرم و نامحرم، و دختر و پسر خویشاوند و غیرخویشاوند در مهمانی‌های خانوادگی، کم رنگ گشته، و میل به روابط غیررسمی و خارج از عرف با جنس مخالف را افزایش می‌دهد. انزوای محدودیت و مستعد بودن این گونه فضاها و دسترسی آسان و نفوذ هرچه بیش‌تر وسایل ارتباطات رسانه‌ای نوین و مجازی چون اینترنت و موبایل و نرم افزارهای مربوطه، این رابطه را بیش‌تر رواج داده است. لذا فرضیه تأثیر زندگی آپارتمان‌نشینی بر افزایش روابط خارج از عرف مورد تأیید قرار گرفت. به نظر برگر و کلنر گسترش حوزه‌های عمومی و کاهش حوزه‌ی خصوصی تا حد زیادی محصول زندگی شهری و وسایل ارتباطات جمعی است، و بر اساس دیدگاه پارک، تغییرات معماری، ساختاری و طراحی فضای شهری، بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. به نظر او بخش اعظم تغییرات فرهنگی جامعه با تغییرات فضای کالبدی شهرها ارتباط تنگاتنگی دارد (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که هرچه سابقه‌ی آپارتمان‌نشینی افراد بیش‌تر بوده است، «سبک و شیوه‌ی زندگی آپارتمان‌نشینان» بیش‌تر دچار تغییر و تحول گشته است. لوئیس ورث با الهام از دیدگاه زیمل، مدعی است زندگی شهری، نوع خاصی از سبک زندگی را به وجود می‌آورد. به نظر ورث، کلان‌شهر، سکونتگاهی بزرگ، پُرتراکم و دائمی است که از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نامتجانس است.

علت این عدم تجانس نیز به سه عامل؛ حجم، تراکم و ناهمگونی بستگی دارد (همان). محدودیت‌های فضا- مکانی و رعایت قوانین و مقررات نوشته و نانوشته‌ی زندگی آپارتمان‌نشینی، بر فرهنگ همسایه‌داری، هنجارها، ارزش‌ها و امور مادی و معنوی ساکنین زندگی آپارتمان‌نشینی تأثیرگذار است به نحوی که افکار، احساسات، رفتارها، سبک و شیوه‌ی زندگی ساکنین آپارتمان‌نشین در ارتباط با همسایگان راه، شکل می‌دهد. زندگی آپارتمان‌نشینی برخلاف زندگی سنتی که با ویژگی‌های «بی‌آلایشی»، «سادگی و صمیمیت» خود، مردم را به یکدیگر نزدیک کرده بود، سبک زندگی آپارتمان‌نشینی باعث «مهمان‌گریزی» می‌گردد که نتایج آن به صورت «تجمل‌گرایی»، «فخرفروشی و خودنمایی» بروز کرده، سبب می‌شود افراد، «کمتر به دیدار یکدیگر» بروند و از حال یکدیگر کم‌تر با خبر باشند.

نتایج تحقیق نشان داد که سطح روابط همسایگی<sup>۱</sup> اکثر آپارتمان‌نشینان (حدود ۸۰ درصد) در حد متوسط به پایین، یا کم است و رابطه‌ی متغیرهای مستقلی چون محدودیت فضای (مترائ) واحد آپارتمانی، تنوع قومی و فرهنگی با نوع معماری واحدها و کمیت و کیفیت مشاعات آپارتمانی (نور راه‌پله‌ها)، معنادار است. لذا مشخص گردید که با ورود شهروندان به زندگی آپارتمان‌نشینی، به مقدار زیادی، روابط همسایگی رو به کاهش می‌گذارد. بر اساس دیدگاه گنورگ زیمل انسان شهری، بی‌عاطفه، پیچیده، سرد و واژه<sup>۲</sup> است. در کلان‌شهرها، جریان محرک‌ها بیش‌تر از آن هستند که عقل بتواند به موقع واکنش متناسب با آن‌ها را نشان دهد، شهرنشینان تحصیل‌کرده، فرهنگ‌های جهانی را بیش از دیگران می‌پذیرند. جامعه‌ی شهری، ضمن اینکه امکان آزادی از قیود عاطفی را فراهم می‌کند، اما دال بر تنهایی و فقدان معنا در زندگی شهری هم، است. فرد در شهر در حالی که در انبوه جمعیت زندگی می‌کند اما تنها و غریبه است. در زندگی آپارتمان‌نشینی علی‌رغم اینکه همسایگان بسیار زیادی به فاصله فیزیکی بسیار کمی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند اما هم‌چون غریبه‌ها کم‌ترین ارتباط و روابط همسایگی را دارند. زیمل شخصیت «غریبه» را متعلق به جامعه‌ی مدرن می‌پندارد. «غریبه» در همساز با یک شخصیت کلان شهری، کسی است که به لحاظ فیزیکی به دیگران نزدیک اما به لحاظ فرهنگی و اجتماعی از آن‌ها دور است (استونز، ۱۳۷۹: ۲۹-۱۱۲ محمدی‌پور، ۱۳۹۳: ۶). این «کنش فرهنگی متقابل» می‌تواند «چارچوب اخلاقی افراد یک محل» را به‌عنوان «یک واحد اجتماعی» نسبتاً وسیع، تحت تأثیر قرار دهد. «نوع اندیشه و هنجارهای انتقال‌یافته» در بین همسایگان، بر تک تک افراد خانواده، به ویژه فرزندان، اثر می‌گذارد. «رفتار و اخلاق همسایگان» به‌خصوص کاهش روابط همسایگی به مرور بر «شکل‌گیری شخصیت کودکان»، نقش به‌سزایی دارد. این اثرگذاری ازاهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا

1- Relation Of Neighbour,s

2- Blace

که کاهش هم‌نشینی سنتی و رفت‌وآمد خانواده‌ها در «یک مجتمع مسکونی»، برخلاف ارزش‌های فرهنگ ایرانی و اسلامی، زمینه‌ی فردی و غریبه شدن افراد نسبت به یکدیگر را بیش‌تر فراهم می‌آورد. نتایج تحقیق نشان داد که شرایط و عوامل فردی - زمینه‌ای و فضای - کالبدی هم‌چون: وضعیت تأهل، (کاهش) تعداد فرزندان، میزان تحصیلات، مالکیت واحد، موقعیت واحد آپارتمانی و مشاعات آن، سوابق آپارتمان‌نشینی، تراکم جمعیتی و خانوادگی در بلوک و تعداد بلوک‌های مجتمع‌های آپارتمانی، و نوع اشتغال ساکنان آپارتمان‌نشین، بر «کاهش روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی»، تأثیر گذار است، و با افزایش جمعیت و تراکم جمعیت و محدودیت فضا - مکان در زندگی آپارتمانی، به مرور روح دینی در زندگی رو به نقصان می‌گذارد. دورکیم معتقد بود هرچه جوامع متراکم‌تر و حجیم‌تر شوند، ماهیت فرهنگ بیش‌تر دستخوش تغییر و تحول می‌گردد چراکه وجدان جمعی ملزم به فائق آمدن بر تنوعات ارزش‌های سنتی (دینی و مذهبی) و محلی، و استیلا بر فضای بیش‌تر شده، و در نتیجه فرهنگ و ارزش‌های آن، انتزاعی‌تر می‌گردد (باندز، ۱۳۹۴: ۵-۶). به باور ماکس وبر آموزه‌های جنبش روشنگری، هنجارهای موروثی سنتی و مذهبی را از میان بر می‌دارد، و گسترش سرمایه‌داری را تسهیل می‌کند (استونز، ۱۳۷۹: ۶۴-۸، و باندز، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۳).

مشارکت مدنی و مذهبی می‌تواند شامل شکلی از نمایندگی باشد که در آن شهروندان توسط یک وکیل نمایندگی شوند. این نوع برنامه‌ریزی و کالتی، مردم را وارد گفت‌وگو می‌کند. انتظار می‌رود نقش مشارکت کنشگران اجتماعی در فعالیت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری، در تربیت شهروندان خوب نقش آموزشی داشته باشد. در واقعیت امر، مشارکت کم و بی‌علاقگی جز اینکه تغییرات مصیبت‌باری چون؛ ایجاد مانع و چالش در انعطاف‌پذیری شهروندان ایجاد کند، نتیجه دیگری ندارد. مشارکت جمعی کارکردی آموزشی دارد و شهروندان با یادگیری پیوند میان منافع عمومی و خصوصی (و فردی)، منفعت خودشان را از «تقاضای همیشگی» که باید با قانون تجویزی آزاد شود، تشخیص می‌دهند. منفعت فردی بر فرد تأکید دارد، در حالی که مشارکت، افق‌های دورتری را در برمی‌گیرد (باندز، ۱۳۹۴: ۳۱۳-۳۱۱). علی‌رغم انتظار مشارکت جمعی بیش‌تر آپارتمان‌نشینان در حل مشکلات زندگی جمعی و حمایت از افراد ضعیف و مشارکت در اجتماعات مدنی و مذهبی (مثل شرکت در گروه‌های خیریه، هیئات مذهبی و راهپیمایی‌ها)، نتیجه‌ی تحقیق نشان داد که اکثر آپارتمان‌نشینان (حدود ۹۰ درصد) علاقه و تمایلی برای مشارکت جمعی در حل و فصل مسائل زندگی آپارتمانی و سایر مشارکت‌های مدنی و مذهبی ندارند. عوامل فردی - زمینه‌ای و فضای - کالبدی چون تعداد فرزندان، موقعیت واحد آپارتمانی، محدودیت‌های فضایی و مکانی (مساحت و مترآژ) واحد آپارتمانی، تراکم و تعدد بلوک‌ها و سوابق آپارتمان‌نشینی، به مرور باعث کاهش مشارکت مدنی و مذهبی آپارتمان‌نشینان، شده است، و ساکنان تمایل کم‌تری برای حضور اجتماعی، مدنی و مذهبی از خود نشان می‌دهند.

مالی رُوسنر معتقد است؛ هر مستأجری میل دارد در فضای متفاوت از دیگری، مسئولیت‌پذیر باشد. این نوع افکار نشأت گرفته از بحران‌ها، و نشانه‌های زندگی شهری است. آپارتمان‌نشینی‌ها در دوره‌های زمانی مختلف رفتارهای مسخره‌ی همراه با سوء ظن دارند که بیش از یک قرن ادامه داشته است . . . به اعتقاد رُوسنر، آپارتمان‌نشینی در برخی موارد عمری کوتاه اما فوق العاده پیچیده دارد. بر اساس نتایج پژوهش محمدی (۱۳۹۲) نیز، زندگی افراد مجرد در کنار خانواده‌های متأهل، اسباب‌کشی‌های پر سروصدا و بدون ملاحظه‌ی رعایت حال ساکنین، سروصدای کودکان در راهروها، بلند بلند حرف زدن همسایه‌ها هنگام ورود و خروج مهمانان در اواخر شب، ناراحتی همسایگان را در پی دارد. عدم رعایت حق پارکینگ همسایگان و گاهاً تصرف آن، استفاده‌ی غیرمجاز از اموال و امکانات دیگران هم‌چون سرقت لوازم کولر همسایگان، مسئله‌ی بهره‌برداری از بالکن‌های مشترک و سایر موارد مشابه، از جمله معضلاتی است که برخی از ساکنین نسبت به رعایت آن‌ها، هنوز از خود مقاومت نشان می‌دهند. برخلاف نتایج پژوهش گفته شده‌ی بالا، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که اکثریت آپارتمان‌نشینان (حدود ۹۵ درصد) معتقدند تا حدّ زیادی حقوق شهروندی همسایگان خود را رعایت می‌کنند، در عین حال هنگام مراجعه حضوری، بسیاری از ساکنین نسبت به مسائل بالا و عدم رعایت حقوق همسایگی و شهروندی، هم‌چنان گلایه می‌کنند.

نتایج حاضر تحقیق نشان داد که اکثریت آپارتمان‌نشینان (حدود ۸۹ درصد) نسبت به شاخص‌هایی چون: امنیت و احساس آسودگی، امنیت همسر و کودکان خود، کاهش سرقت در مجتمع‌های آپارتمانی، حضور زندگی مجردی و خوابگاهی، و عدم حضور افراد بزه‌کار، معتاد و قاچاقچی و افزایش امنیت خاطر و . . . در زندگی آپارتمان‌نشینی، احساس رضایت خاطر دارند. به اعتقاد لوئیس ورث، افزایش حجم شهر، افزایش تنوع در ویژگی‌های فرهنگی و شغلی را در پی دارد. افزایش تراکم جمعیت، بر مسائل روانی-اجتماعی، افزایش تحمل غریبه‌ها، و در نتیجه بر افزایش استرس، خشونت، جرائم، خودکشی، رفتارهای ضدفرهنگی و اجتماعی، افزایش اصطکاک و آزدگی خاطر افراد شهرنشین، تأثیرگذار است. افزایش ناهمگونی اجتماعی، افزایش عدم تجانس، پیچیدگی نظام طبقاتی و قشریندی اجتماعی، و افزایش شناوری و تضادهای ارزشی و هنجاری را در بین ساکنان شهر در پی دارد. این وضعیت، ویژگی‌های شخصیتی و نگرشی خاصی را در بین افراد، پدید می‌آورد که به مرور زمان، هویت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را دچار فرسایش می‌کند (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۶۳).

با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت به نظر می‌رسد قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران و متولیان اجرای پروژه‌های شهری در کشورما، قبل از طراحی و تدوین و اجرا، به پیامدهای مختلف اجرای چنین طرح‌های مهم و بزرگی بر شهروندان و سایر جنبه‌های زندگی آنان، به خصوص به پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن، با صاحب‌نظران جامعه‌شناس و کارشناسان مربوط مشورت لازم را به عمل نمی‌آورند. به عبارتی دستگاه‌ها و نهادهای کارفرما و متولی چنین پروژه‌های بزرگ شهری، می‌بایست علاوه‌بر اندیشه و

مدیریت اهداف اصلی و ذاتی چنین امری، به طور جامع پیامدهای آن‌ها از جمله پیامدهای اقتصادی، عمرانی، زیست محیطی، آموزشی، و به ویژه پیامدهای فرهنگی و اجتماعی (پیوست فرهنگی و اجتماعی) اجرای چنین طرح‌هایی را با انجام مطالعات کارشناسی در حوزه‌های ذیربط، در نظر بگیرند. پیامدهای اجرای پروژه‌های مهم شهری هم‌چون مجتمع‌های بزرگ مسکونی و آپارتمانی، دارای دامنه‌ای وسیع از آثار فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی است، که به نظر می‌رسد لازم است مقامات شهری و اجرایی در تمام مراحل اجرای این گونه طرح‌ها به خصوص در طرح‌های آپارتمان‌سازی مجتمع‌های مسکونی در کلان‌شهرهای بزرگ و مهمی چون پایتخت و دیگر مراکز استانی؛ اعم از مرحله برنامه‌ریزی، طراحی، و اجرا، برای تعدیل آثار و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آسیب‌زا، با صاحب‌نظران جامعه‌شناس و سایر حوزه‌های مرتبط مشاورت لازم را به عمل آورند. نمونه‌های فراوانی از اجرای طرح‌های ساختمانی در بخش خصوصی با مجوز شهرداری‌های کلان شهرها و دیگر شهرهای کشور، و در بخش دولتی نیز می‌توان طرح انبوه‌سازی مسکن مهر، را به‌عنوان شاهد مثال آورد که، اگرچه در ابتدا، دارای اهداف ارزشمندی بوده اند اما مشخص شده است که در طول زمان بهره‌برداری طرح، آسیب‌های فرهنگی جبران‌ناپذیری برجای گذاشته اند. بنابراین محقق به نهادها و دستگاه‌های متولی امر برای اجرای چنین طرح‌های مهمی، پیشنهاد می‌نماید قبل از طراحی و اجرای چنین پروژه‌های مهمی، برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی فرهنگی و اجتماعی، و تقویت جنبه‌های مثبت و فرصت‌های فرهنگی ناشی از اجرای چنین طرح‌هایی، از صاحب‌نظران و کارشناسان متخصص در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی، مدیریت برنامه‌ریزی و طراحی شهری، کارشناسان و متخصصان دانشگاهی بوم‌شناس و دیگر کارشناسان حوزه‌های مرتبط دعوت نمایند تا پس از تشکیل تیم کارشناسی متخصص، و بحث و بررسی و مطالعات کارشناسی، نظرات کارشناسی خود را اعلام نمایند تا در صورت قابل اتکاء بودن نتایج کارشناسی، به موقع اجرا گذاشته شود. مؤید چنین پیشنهادی نیز دغدغه و دیدگاه مقام معظم رهبری و مسئولین شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر لزوم داشتن پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم و کلان، قبل از اجرای آن‌هاست.

#### منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و سرگزی، زینب. (۱۳۸۹)، آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن (مطالعه موردی: شهر زاهدان). چهارمین کنگره بین‌المللی جهان اسلام، زاهدان: ۲۷-۲۵.
- استونز، راب. (۱۳۸۱). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز.
- باندز، مایکل. (۱۳۹۴). نظریه اجتماعی شهری (شهر، خود، و جامعه). ترجمه‌ی صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.



## مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای فرهنگی زندگی آپارتمان‌نشینی در ایران . . .

- توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی شهری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- جوکار، علی‌قلی. (۱۳۹۵). آثار و پیامدهای فرهنگی معماری مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی (با تأکید بر مسکن مهر). تهران: انتشارات آثار فکر، چاپ اول.
- جهانگیری، جهانگیر؛ لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ منصوریان، محمد کریم. (۱۳۹۲). بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس: مطالعه موردی شهر شیراز. تهران، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۱.
- حسین یزدی، مریم. (۱۳۹۴). محرمیت و خلوت در معماری ایرانی (أرسی و گرہ چوبی، تهران، انتشارات گروه فن و هنر ایران زمین، سایت <http://ashwood.ir>)
- دواس. دی. ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه‌ی هوشنگ نائی، تهران: نشر نی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی؛ جلد اول؛ اصول و مبانی. تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شربتیان، محمدحسین. (۱۳۹۵). تأملی بر مطالعه فرهنگی و اجتماعی خانه، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ. <http://anthropology.ir/node/7240> و [www.amir-m.blogfa.com](http://www.amir-m.blogfa.com) ر.ک
- شماعی، علی؛ شاهی‌میرزا، محمد عین؛ ملکان، جواد. (۱۳۹۳). بررسی عوامل و پدیده‌های مؤثر بر بروز جرائم و آسیب‌های اجتماعی در کلان شهرها (با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین). نشریه سپهر، دوره بیست و یکم، شماره هشتاد و سوم.
- عربی، نادر. (۱۳۸۲). «عملکرد بازار مسکن در شهر زاهدان. دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره ۳۵ و ۳۶.
- غلامحسین معمایان؛ هاشمی طغرالجردی، سید مجید؛ کمالی پور، حسام. (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه. تهران: فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲.
- فتحی، سروش. (۱۳۹۱). تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار. مجله مطالعات اجتماعی ایران. سال چهارم، شماره چهارم.
- فلاح، محمد جواد. (۱۳۹۲). اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی. تهران: انتشارات کتاب نشر، چاپ اول.
- فلاح، مریم. (۱۳۹۲). تأثیر فرهنگ بر معماری بومی مشهد. همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، موسسه آموزش عالی خاوران.
- فیروزی، محمدعلی؛ سجادیان، ناهید؛ علیزاده، هادی. (۱۳۸۹). تحلیل و ارزیابی ویژگی‌های شهرسازی در دوران پست‌مدرنیسم. فصلنامه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، سال دوم، شماره ۶.

- قاضی‌زاده، سینا. (۱۳۹۲). بررسی نقاط ضعف و قوت حوزه کالبدی پروژه مسکن مهر. اولین کنفرانس ملی بنای ماندگار، مشهد، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری مشهد. [http://www.civilica.com/Paper-BANA01-BANA01\\_059.html](http://www.civilica.com/Paper-BANA01-BANA01_059.html)
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک‌وان. (۱۳۷۹). روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی). ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مجموعه مقالات منتخب، دفتر یکم؛ اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی، چاپ اول.
- محسنی‌تبریزی، علیرضا؛ یاهک، سجاد؛ قهرمانی، سهراب؛ باصری، علی. (۱۳۹۰). مطالعه مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثرگذار بر آن در کرج. مجله تحلیل اجتماعی، شماره ۴/۶۰.
- محمدپور، احمد؛ کریمی، جلیل؛ ولی‌زاده، شعبان. (۱۳۹۱). مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر همدان. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۳.
- محمدزاده، رحمت. (۱۳۹۰). بررسی کیفیت و عوامل فضایی و کالبدی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی شهر جدید سهند. تبریز: نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۷، صفحات ۳۸-۲۹.
- یزدان‌پور، آناهیتا و قربانی سی‌سخت، پورمند. (۱۳۹۲). کنکاشی بر تأثیر متقابل معماری مسکن بر فرهنگ و هویت در جامعه‌ی ایرانی. مشهد، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار.

- Butler, Edgar, w. (1979). urban sociology, New York, Harper & Row.
- Bhagat, R.B. (2001). urbanization in India, Brezil, general population conference.
- Bernstein, B. (1968). Some Sociological of Determinats of perception, an Inquiry into Subcultural Differences, pp: 223-239 in Joshua, A. Fishman(ed) Reading in the Sociology of Lanffguage . The Hague: Mouton.
- Castells, Manuel. (1983). The city and the grass Roots: A cross- cultural theory of urban social movements (London: Edward Arnold).
- PRB. (1999). world population data sheet.
- Harvey, David. (1985). consciousness and the urban Experience: Studies in the history and theory of capitalist urbanization (oxford: basil Blackwell).
- Henny, Ozaki and Ritsuko Coolen. (2007). Culture. Lifestyle and the Meaninig of a Dwelling. OTB Research Institute for Housing, Urban and Mobility Studies.
- Rand, G. (1984). Crime and Environment: A Review of the Litrerature and its Implications for Urban Architechure and Planning, journal of Architechural Plan Research, 1(1) pp: 3-19.

مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای فرهنگی زندگی آپارتمان‌نشینی در ایران . . .

- Mellor, J.R. (1987). urban sociology in urbanized society. Routledge.
- Mitchell, R. Edward. (1969). Family Life in Urban Hong Kong. Hong kong Urban Family Surrey.
- Mubarak, Faisal. (1993). Cultural Aaptation to Housing: A Case Study. Universit, Riyadhm, Saudi Arabia.
- Wirth. L .(1964). Urbanism as a way of Life. P.K. and Reiss. A.j. (Eds). Critics and Society. New York: The Free.

